



هنری پرسل (۱۶۵۹ - ۱۶۹۵)

فریبا کاشانی کبیر
بهمن مه‌آبادی

سویت



یوهان سباستیان باخ

(۱۶۸۵ - ۱۷۵۰)

* در اواخر قرن هفدهم، سویت به مجموعه‌ای کوتاه از کنتراستها (از نظر ریتم و ملودی) که در موسیقی رقص پی‌درپی هم قرار می‌گرفتند اطلاق می‌شد.

* موومانهای ضروری و اساسی سویت عبارتند از: آلمانده، کورانت، ساراباند و ژیک.

* تعدادی از سویت‌های ارکسترال باخ با عنوان «اورتور»ها مشهور شده‌اند.

در مقاله زیر ضمن بیان اجمالی تاریخ سویت، مومنانهای ضروری آن مورد بحث و بررسی قرار گرفته، و شأن منطقی واژه‌هایی چون پارتیتا، اورتور و سنفونیا در آثار باخ، با ذکر دلایل مستند، تبیین شده است.

در اواخر قرن هفدهم، سویت^۱ به مجموعه‌ای کوتاه از کنتراستها (از نظر ریتم و ملودی) که در موسیقی رقص پی‌درپی هم قرار می‌گرفتند، اطلاق می‌شد. نام ایتالیایی سویت، پارتیتا^۲ است. علت کاربرد دو کلمه برای یک فرم موسیقی، نقش دو کشور فرانسه و ایتالیا در دورانه‌های مختلف تاریخ موسیقی بوده است. زیرا این دو کشور در پرورش و باروری قالبهای موزیکال و سازهای موسیقی نقش مؤثری داشته‌اند. سویت دارای مومنانهای متعددی برای رقص است. مصنفان سویت در تغییرات ریتمیک آن، در صورت نیاز، آزاد بودند. این قطعات معمولاً در یک تونالیت نوشته می‌شدند که گهگاه با تغییراتی جزئی به وسیله مدولاسیون^۳ از ماژور به مینور، یا برعکس، حرکت می‌کردند. مومنانهای ضروری و اساسی سویت عبارتند از: آلمان^۴، کورانت^۵، ساراباند^۶ و ژیک^۷. البته گاهی رقصهای دیگری نیز به این جمع می‌پیوست. باخ از چنین الگویی در تمام سویت‌هایش برای ارکستر و سلو استفاده کرده است.

آلمان وجه اشتراکی جزئی با رقصی به نام آلمان^۸ داشته است. آلمان با حالتی آهسته، زیبا و باوقار در یک ۴/۴ میانه و معتدل، معمولاً با یک ضربه کوتاه آغاز می‌شد و با تنهایی با آرایه و تزئین - شبیه به گزارشی مختصر از گام واریژها - اجرا می‌گردید. (نمونه شماره ۱) دو نوع کورانت وجود داشت: کورانت فرانسوی و کورانت ایتالیایی. کورانت ایتالیایی در میزان سریع ۸/۳ یا ۴/۳ با حالتی جاری و متصل اجرا می‌شد و کورانت فرانسوی در حالتی نسبتاً آرام با ضربی بین ۲/۳ و ۴/۶ و وقاری خاص به اجرا درمی‌آمد. (نمونه شماره ۲)

ساراباند از آهسته‌ترین رقصهای قرن هفدهم به شمار می‌آمد. در دومین ضربه این رقص نوعی کشیدگی

وجود داشت که نشان ویژه ساراباند بود. (نمونه شماره ۳) ساراباند معمولاً با برگشتی از میانه قطعه نواخته می‌شد. آرایشها و تزئینهای استادانه در ساراباند در تکرارها و گفتگوها کاملاً هویداست. نوازندگان قرن هجدهم، آرایشها و تزئینهای این قطعه را به‌طور بالبداهه می‌نواختند. باخ یکی از نخستین مصنفانی بود که این آرایه‌ها و زیورها را برای اولین بار نوشت. این اقدامی بسیار سنجیده بود و در آثار او کاملاً منطقی و اصولی به نظر می‌رسید، اما مسأله عمده پیچیدگی و بغرنج بودن این قطعات برای نوازنده بود.

ژیک از جیک^۹، رقص تند انگلیسی، به وجود آمد. ترکیب ریتمیک ژیک نیز تند و سریع است. ژیک اغلب حالتی جهنده داشت که به قدمهای پر قدرت رقصندگان مربوط می‌شد. (نمونه شماره ۴)

ژیک، اغلب، آخرین رقص سویت به شمار می‌آمد، اما گاهی برای مومنانهای اضافی که تا دوازده مومان نیز قابل گسترش بود، رقصهای دیگری مثل بوره^{۱۰}، گاوت^{۱۱} و منوئت^{۱۲} در نظر گرفته می‌شد که بین ساراباند و ژیک جای می‌گرفت.

یک بوره به وسیله بوره دوم تکمیل می‌شد - البته در تونیک ماژور یا مینور با یک داکاپو^{۱۳} به اول. (نمونه شماره ۵)

گاوت با ریتم نسبتاً سریع ۲/۲ تصنیف می‌گردید. این قطعه از نیمه میزان آغاز می‌شد. (نمونه شماره ۶) در گاوت شماره دو، حالت مخصوصی که به قسمتی از یک رقص روستایی به نام موزت^{۱۴} مربوط است ملاحظه می‌شود. موزت یکی از نی‌انبانهای فرانسوی قرن هفدهم بود. به همین دلیل نیز در موسیقی با کشیدگی نُتِ باس، به گونه‌ای از صدای بم نی‌انبان تقلید می‌شود. (نمونه شماره ۷)

رقص منوئت در ابتدا به فرم منوئتهای هنری پرسل^{۱۵} (۱۶۵۹ - ۱۶۹۵ م.) وفادار بود، ولی از زمانی که به عنوان یک رقص باشکوه به رسمیت شناخته شد،

Ex. 1 Allemande Bach (English Suite No. III)



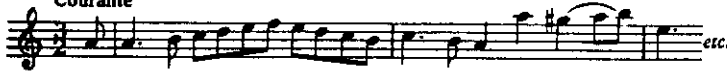
نمونة شماره ١

Ex. 2 Corrente Bach (Partita V)

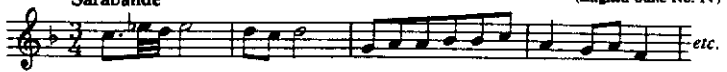


نمونة شماره ٢

Ex. 2 Courante Bach (English Suite No. II)



Ex. 3 Sarabande Bach (English Suite No. IV)

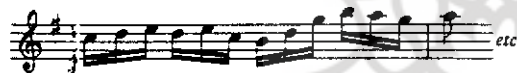


نمونة شماره ٣

Ex. 4 Gigue Bach (French Suite No. V)



نمونة شماره ٤



Ex. 5 Bourée I Bach (English Suite No. II)



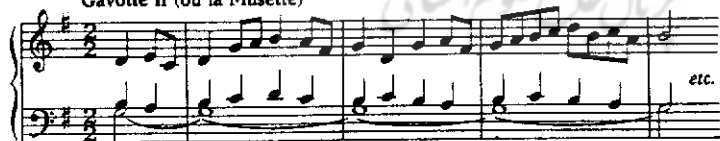
نمونة شماره ٥

Ex. 6 Gavotte I Bach (English Suite No. III)



نمونة شماره ٦

Ex. 7 Gavotte II (ou la Musette)



نمونة شماره ٧

Ex. 8 Prelude Bach (Cello Suite No. I)



نمونة شماره ٨

ارکستری و قطعات برای هارپسیکورد نیز سود جسته است که یک شباهت اسمی بیش نیست و با آنچه امروزه سمفونی^{۲۵} نام دارد بی‌ارتباط است.

پارتیتاها و سویت‌های باخ برای ویلون و ویلونسل، تنها و بدون همراهی، کارهای ویرتوزیته^{۲۶} اند که اجراکنندگان همزمان با انتقال ملودی، هارمونی آن را نیز منتقل می‌کنند. پایه و شالوده اصلی هارمونی باخ، شفافیت موسیقی او و قابل شناسایی بودن آن توسط آکوردهایش با توجه به وضع تکنیکی ساز و قابلیت اجرایی آنهاست. در نمونه شماره ۸ «فیگور» های بسیار استادانه او را می‌بینیم که از نظر هارمونی نیز هیچ اشکالی ندارند.

به هر حال، اگر ما سه نت اولیه هر میزان را به شکل آکوردهی، به آرامی و آهستگی درخور، اجرا کنیم، درمی‌یابیم که موسیقی باخ، با وجود پیچیدگی، به سادگی یک آکورد است.

یک قسمت تندتری نیز به آن افزوده شد که در اوایل به منوئت دوم مشهور بود. این دومین منوئت برای سه نوازنده ساز سلو تصنیف می‌شد و اگر در یک سویت برای هارپسیکورد^{۱۶} قرار داشت، به طریقه سه‌صدایی با یک داکاپو به اجرا درمی‌آمد. منوئت دوم در آغاز منوئت‌تریو^{۱۷} نامیده می‌شد که خیلی زود به «تریو» شهرت یافت.

در هر موومان از یک سویت معمولاً یک جفت میزان نصف شده، در اول و آخر، و یک مدولاسیون به دومینانت^{۱۸} - که پایدار بود و به مدگردهای گذرا شباهت نداشت - وجود دارد. این موومانها در تکرار به تونیک مراجعت کرده و به این ترتیب نیمه اول میزان ناقص سرآغاز را در پایان تکمیل می‌کردند. تونالیتته می‌توانست در موومانهای مختلف یک سویت تغییر کند، اما در کادانس^{۱۹} به تونیک بازمی‌گشت. بعضی از موومانهای سویت دویخشی هستند که خود به خود «فرم‌بینر»^{۲۰} را تداعی می‌کنند. برخی دیگر دو قسمت مساوی و همانند در «آ» و «س» و یک قسمت وسط به عنوان کنتراست در «ب» دارند که الفاکننده فرم ترنر^{۲۱} هستند.

چند تا از سویت‌های ارکسترال باخ با عنوان اورتور^{۲۲} ها مشهور شده‌اند. البته کلمه اورتور نباید با آنچه امروز به آثاری در این قالب گفته می‌شود اشتباه گرفته شود. اورتورهای باخ چون نخستین موومانهای سویت بودند و اغلب طبق فرم اورتور اپرای فرانسوی قرن هفدهم تصنیف می‌شدند به این نام مرسومند. این اورتورها با مقدمه‌ای بسیار باشکوه و پر عظمت در ریتمی مقطع عرضه شده‌اند. در آن دوره نام اورتور اسمی درخور و لایق برای موومانهای آغازین به شمار می‌رفت و در مورد ساز سلو به همان اندازه کارهای ارکستری مقبول بود. در اصل، اورتور آن زمان یک پرلود^{۲۳} بود که قبل از همه موومانها نواخته می‌شد.

باخ بزرگ همچنین از نام سنفونیا^{۲۴} در آثار موسیقی

□ پی‌نوشت:

- | | |
|---------------|--------------------|
| 1. suite | 14. musette |
| 2. partita | 15. Henry Purcele |
| 3. modulation | 16. harpsichord |
| 4. allemande | 17. minuet en trio |
| 5. courante | 18. dominant |
| 6. sarabande | 19. cadence |
| 7. gigue | 20. binary form |
| 8. alman | 21. ternary |
| 9. jig | 22. ouverture |
| 10. bourree | 23. prelude |
| 11. gavotte | 24. sinfonia |
| 12. minuet | 25. symphony |
| 13. dacapo | 26. virtuese |